

تاریخ فلسفه سیاسی غرب

عصر جدید و سده نوزدهم

عبدالرحمن عالم

www.ketab.ir

معاونت پژوهشی و مطالعاتی

تهران - ۱۳۹۶

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: عالم، عبدالرحمن، ۱۳۲۹-.

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ فلسفه سیاسی غرب، عصر جدید و سده نوزدهم / عبدالرحمن عالم؛ [به سفارش] معاونت پژوهشی مطالعاتی.

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: نوزده، ۵۳۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۷-۲۱۱-۰

بها: ۴۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فپا.

یادداشت: چاپ: جلی: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳.

یادداشت: بی‌نام، سن. [۵۲۱] - ۵۲۳

موضوع: علوم سیاسی - اروپا - تاریخ.

موضوع: علوم سیاسی - اروپا - مع.

موضوع: فلسفه جدید.

شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی. معاونت پژوهشی و مطالعاتی.

شناسه افزوده: ایران وزارت امور خارجه. اداره چاپ و انتشارات.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۳ ع ۴ الف / ۸۴ JA

رده بندی دیویی: ۳۲۰/۹۴

شماره کتابشناسی: ۲۹۹۹۸۴۴

تاریخ فلسفه سیاسی غرب

عصر جدید و سده نوزدهم

تألیف: عبدالرحمن عالم

چاپ سیزدهم: تابستان ۱۳۸۹، چاپ چهاردهم: پاییز ۱۳۹۰، چاپ پانزدهم: پاییز ۱۳۹۱، چاپ شانزدهم: تابستان ۱۳۹۲.

چاپ هفدهم: زمستان ۱۳۹۳، چاپ هجدهم: زمستان ۱۳۹۴، چاپ نوزدهم: زمستان ۱۳۹۶.

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، شماره: ۲۲۸۳۲۵۶۵

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۱۵، تلفن فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

فهرست مطالب

مقدمه پانزده

فصل اول، نبرازی ۱

۱. چینی ن ۱

۲. اقتصاد سیاسی ۴

الف. دگرگونیهای نهادی ۴

ب. اخلاق اقتصادی ۴

۳. نیروهای سیاسی ۹

۴. پیشرفتهای علمی ۱۲

۵. تحول علم و تفکر ۱۳

فصل دوم، نیکولوماکیاولی: چه نام بزرگی، چه «ایشی» ۱۷

۱. وضعیت سیاسی ایتالیا ۱۷

۲. محیط سیاسی زمانه ماکیاولی ۲۱

۳. زندگی ماکیاولی ۲۳

۴. نوشته های ماکیاولی ۲۸

۵. روش ماکیاولی ۳۱

۶. حکومت شهریاری ۳۴

۷. سیاست در گفتارها ۴۷

۸. جایگاه ماکیاولی در تاریخ اندیشه سیاسی ۵۳

فصل سوم. توماس مور، توماس کامپانلا: مردان جامعه آرمانی.....	۵۷
۱. توماس مور	۵۷
الف. نگاهی به جامعه انگلستان	۵۷
ب. زندگی توماس مور	۵۸
پ. جامعه آرمانی توماس مور	۶۰
ت. جایگاه تاریخی اندیشه سیاسی مور	۶۴
۲. توماس کامپانلا:	۶۶
فصل چهارم. اندیشه سیاسی، مکران جنبش دین پیرایی	۷۱
۱. دین پیرایی پروتستان	۷۲
الف. کارکرد اقتصادی پروتستان	۷۴
ب. ماهیت سیاسی پروتستان	۷۵
۲. زندگی و اندیشه سیاسی مارتین لوتر	۷۶
الف. اندیشه دینی لوتر	۷۹
ب. اندیشه سیاسی لوتر	۸۲
۱. نظریه دو پادشاهی	۸۴
۲. نظریه شورش و هرج و مرج	۸۵
۳. روحانیان کلیسا و شهریار	۸۶
۴. جنبش روستایی و لوتر	۸۷
۳. اندیشه‌های دینی - سیاسی ژان کالوین	۸۹
الف. زندگی کالوین	۸۹
ب. اندیشه‌های کلامی - سیاسی	۹۲
۱. نظریه سیاسی کالوین	۹۴
۲. کالوینیسم و سرمایه داری	۹۹
۴. اندیشه سیاسی ملانشتون	۱۰۲
۵. اندیشه سیاسی زوینگلی	۱۰۴

۶. اندیشه سیاسی جان ناکس ۱۰۵
۷. بازیابی فصل ۱۰۶
- فصل پنجم. ضدشاهان، حقوق الهی شاهان ۱۱۱
۱. کشاکشهای سیاسی ۱۱۱
۲. ضد شاهان (مونارکوماکها) ۱۱۴
- الف. بندیسیه کتراتیرانوس ۱۱۸
- ب. می و رمی: جرج بوکانان ۱۲۲
- پ. معه کاتولیک ۱۲۴
- ت. ژژونیتها، ضد ناکس ۱۲۵
- (۱). رابرت بریم ۱۲۷
- (۲). خایون دومار انا ۱۲۸
- (۳). فرانسیسکو سوارر ۱۳۰
۳. نظریه حقوق الهی شاهان ۱۳۲
- الف. نظریه استبداد ۱۳۳
- ب. نظریه حقوق الهی ۱۳۵
- پ. جیمز اول ۱۳۹
- ت. سیاستمداران ۱۴۲
- فصل ششم. ژان بُدن: پدر حاکمیت ۱۴۵
۱. زندگی و نوشته های بدن ۱۴۵
۲. روش بدن ۱۴۹
۳. جامعه سیاسی بدن ۱۴۹
- الف. حاکمیت ۱۵۳
- ب. شکل‌های حکومت، حکومت مطلوب ۱۵۶
- پ. تغییر در حکومتها و در جامعه ۱۶۰

- ت. محدوددیت‌های حکمران ۱۶۳
- ث. جایگاه بدن در تاریخ اندیشه سیاسی ۱۶۴
۴. ژاک بنینی بوسونه ۱۶۶
- فصل هفتم. نظریه قانون طبیعی ۱۷۱
۱. پیشرفت علوم طبیعی و تأثیر فکری آن ۱۷۱
۲. طبیعت، گرای انسانی برونو ۱۷۲
۳. رهازن آل‌توسیوس ۱۷۴
۴. هوگو گروس ۱۷۶
- الف. دولت و وسیع ۱۷۷
- ب. حاکمیت از نظر روبروس ۱۷۸
- پ. قانون ملتها (حقوق بین‌الملل) ۱۷۹
- فصل هشتم. اندیشه سیاسی انگلستان در سده شانزدهم و هفدهم ۱۸۳
۱. ریچارد هوکر، و کلیسا و دولت ۱۸۳
۲. ادوارد کوک ۱۸۷
۳. فرانسیس بیکن ۱۸۹
۴. گروه‌های تندرو: لولرها، دیگرها ۱۹۵
- الف. لولرها ۱۹۶
- ب. دیگرها ۲۰۱
۵. جمهوریخواهان انگلستان ۲۰۵
- الف. جیمز هرینگتون ۲۰۶
- ب. جان میلتن ۲۱۲
- پ. الجرنون سیدنی ۲۱۵
۶. تندروهای مذهبی ۲۱۶
- الف. پرسی ترینها ۲۱۷

۲۱۸	ب. ایندیندتها
۲۱۸	۷. رابرت فیلمر
۲۲۱	۶. جرج هالیفاکس
۲۲۵	فصل نهم. توماس هابز
۲۲۵	۱. کشاکش جریانهای سیاسی
۲۲۸	۲. زندگی نوشته های هابز
۲۳۴	۳. روش ها
۲۳۶	۴. طبع انسان
۲۴۰	۵. وضع طبیعی
۲۴۱	۶. مفهوم قانون طبیعی
۲۴۴	۷. تأسیس دولت
۲۴۶	۸. حکمران هابز
۲۴۸	الف. قانون و حکمران
۲۵۰	ب. شکل های حکمرانی
۲۵۲	ب. توتالیتریسم و آزادی
۲۵۷	۹. حاکمیت
۲۵۸	۱۰. حکمران، کلیسا، مردم
۲۶۱	۱۱. ارزیابی اندیشه هابز
۲۶۵	فصل دهم. جان لاک: بنیانگذار لیبرالیسم
۲۶۵	۱. شرح زندگی
۲۷۲	۲. دو رساله درباره حکومت
۲۷۲	الف. رساله نخست
۲۷۴	ب. رساله دوم. طبع انسان و وضع طبیعی
۲۷۵	۱. طبع انسان

- ۲۷۶ (۲). وضع طبیعی
- ۲۷۸ ۳. حکومت از نظر لاک
- ۲۸۱ الف. شکلهای حکومت
- ۲۸۲ ب. قوای حکومت
- ۲۸۳ ۴. حق انقلاب و حق حاکمیت
- ۲۸۴ ۵. حق مالکیت
- ۲۸۸ ۶. مابرای مذهب
- ۲۹۱ ۷. سانس و ارزیابی نظریه های لاک
- ۲۹۵ فصل یازدهم. مرتضوی: روح قوانین
- ۲۹۵ ۱. وضع و حال سیاسی مان
- ۳۰۰ ۲. زندگی و نوشته های منتسکیو
- ۳۰۳ ۳. روش منتسکیو
- ۳۰۴ ۴. نامه های ایرانی منتسکیو
- ۳۰۷ ۵. روح قوانین
- ۳۱۱ الف. ماهیت و اصل حکومت، شکل حکومتها
- ۳۱۴ ب. رابطه قوانین با ماهیت و اصول حکومت
- ۳۱۸ پ. آزادی و تفکیک قوا
- ۳۲۵ فصل دوازدهم. ژان ژاک روسو و آزادی انسان
- ۳۲۵ ۱. محیط سیاسی و جنبش روشنگری
- ۳۲۸ الف. ولتر
- ۳۳۰ ب. یاران دانشنامه (دانشنامه نویسان)
- ۳۳۶ ۲. ژان ژاک روسو
- ۳۳۶ الف. زندگی و نوشته های روسو
- ۳۴۱ ب. نظریه سیاسی روسو

۳۴۳ (۱). دوگفتار
۳۴۸ (۲). قرار اجتماعی، اقتصاد سیاسی
۳۵۳ (۳). اراده عمومی
۳۵۷ (۴). حاکمیت اراده عمومی
۳۵۹ (۵). شکل‌های حکومت
۳۶۳ (۶). تفکیک قوا
۳۶۵ (۷). برابری، آزادی و سعادت انسانها
۳۶۷ (۸). دین مدنی
۳۶۹ (۹). مالکیت
۳۷۰ پ. جایگاه فری رو
۳۷۶ ۳. ژوزف سی یز
۳۷۹ فصل سیزدهم. هیوم، برک، اسمیت و ...
۳۷۹ ۱. زمینه‌های فکری و رشد علمی زما
۳۸۰ ۲. زندگی و نوشته‌های هیوم
۳۸۳ الف. بنیاد تفکر هیوم
۳۸۴ ب. نظریه سیاسی هیوم
۳۸۵ (۱). خاستگاه جامعه و پایه دولت
۳۸۷ (۲). انسان، حکومت، آزادی و دموکراسی
۳۸۸ (۳). دین، مالکیت
۳۹۰ ۳. آدموند بُرک
۳۹۰ الف. دگرگونی‌های سیاسی
۳۹۲ ب. زندگی و نوشته‌های برک
۳۹۶ پ. اصول فلسفه سیاسی
۳۹۷ ت. نظریه سیاسی برک
۴۰۵ ث. مقایسه هیوم و برک

۴. آدم اسمیت..... ۴۰۶
- الف. زندگی و نوشته ها..... ۴۰۶
- ب. نظریه سیاسی..... ۴۰۸
۵. توماس پین..... ۴۱۳
۶. ویلیام گادوین..... ۴۱۵

فصل چهاردهم، سودمندی گرایان..... ۴۱۹

۱. نظریه سودمندی گرایان، زمینه جویی..... ۴۱۹
۲. جری بنام..... ۴۲۳
- الف. زندگی و نوشته ها..... ۴۲۳
- ب. مبانی اندیشه های بنام..... ۴۲۵
- ب. نظریه سیاسی بنام..... ۴۳۱
۳. جان استوارت میل..... ۴۳۶
- الف. شرح زندگی..... ۴۳۶
- ب. نوشته های میل..... ۴۳۷
- ب. دموکراسی..... ۴۳۸
- ت. آزادی..... ۴۴۲
- ث. حقوق زنان..... ۴۴۷
- ج. میل و بنام گرایان..... ۴۴۷

فصل پانزدهم، نظریه ایده آلیستی: کانت و هگل..... ۴۴۹

۱. بعد از انقلاب فرانسه..... ۴۴۹
۲. ایده آلیسم فلسفی..... ۴۵۱
- الف. پایه های تفکر سیاسی ایده آلیستی..... ۴۵۱
۳. ایمانوئل کانت..... ۴۵۴
- الف. شرح زندگی..... ۴۵۴

- ب. نوشته‌های کانت: بنیادهای اخلاقی فلسفه سیاسی ۴۵۶
- پ. طبع انسان و تاریخ از نظر کانت ۴۵۷
- ت. آزادی: وظیفه واجب قطعی ۴۶۰
- ث. سیاست کانت: دفاع اساسی از فردگرایی ۴۶۱
- ج. نظر اقتصادی و دینی کانت ۴۶۴
- چ. انترناسیونالیسم: جستجوی صلح ابدی ۴۶۷
- ح. ارزیابی کانت ۴۶۸
۴. فریدریش هگل ۴۶۹
- الف. زندگی و نوشته‌ها ۴۶۹
- ب. فلسفه تاریخ ۴۷۱
- پ. دیالکتیک ۴۷۳
- ت. نقش ملت و دولت در تاریخ ۴۷۵
- ث. آزادی: رابطه فرد و دولت ۴۷۷
- ج. حکومت ۴۸۲
۱. پادشاهی ۴۸۳
۲. قوه اجرایی ۴۸۴
۳. قوه قانونگذاری ۴۸۴
- ج. روابط بین الملل، حقوق بین الملل ۴۸۵
- ح. نقد و ارزیابی ۴۸۷
- فصل شانزدهم آگوست کنت: جامعه سیاسی اثباتی ۴۸۹
۱. زندگی و نوشته‌های کنت ۴۸۹
۲. روش کنت ۴۹۰
۳. تنواره گرایی کنت ۴۹۱
۴. فلسفه اثباتی: مخالفت با فرضیه‌های کلامی و فراطبیعی ۴۹۲
۵. سیاست و جامعه ۴۹۵
- الف. تکامل اجتماعی ۴۹۵

- ب. پیدایی ساختهای سیاسی ۴۹۶
پ. قانون مراحل سه گانه و حکومت اثباتی ۴۹۸
ث. ارزیابی کنت ۵۰۲

فصل هفدهم. گرین: واقع بین هوشیار، ذهن گرای بلندپرواز ۵۰۵

۱. دوره زندگی ۵۰۵
۲. نوشته های گرین و تغییر روند لیبرالیسم ۵۰۶
۳. رویارویی با سودمندی گرای ۵۰۸
۴. کلیف سیاسی: زاده، پایه دولت ۵۱۰
الف. شعور انسان ۵۱۱
ب. آزادی ۵۱۲
پ. حقوق ۵۱۲
ت. نیاز به اقتدار سیاسی یا ۵۱۳
۵. فعالیت دولت ۵۱۶
۶. مجازات، مالکیت، انترناسیونالیسم ۵۱۷
۷. ارزیابی گرین ۵۱۹

منابع ۵۲۱

نمایه نامها ۵۲۴

فلسفه سیاسی، یعنی تفکر منظم درباره ماهیت، هدفها، ساختار و قدرت دولت از یکسو برای فهم و شناخت واقعی دولت، و از سوی دیگر برای حفظ یا تغییر آن است. فلسفه سیاسی فعالیتی فکری و ذهنی است با هدف پرداختن به مسائل و دشواریهای اجتماعی و سیاسی و حل و رفع آنها، و از زمانی آغاز شد که انسانها به حفظ آزادی خود در برابر اعدای دولت توجه کردند. اما همه انسانها این توانایی فکری را نداشتند و فقط عده‌ای درباره وضع حاکمیت و فلسفه سیاسی اندیشیدند، سخن گفتند یا نوشتند. این عده را فیلسوف یا تفکر سیاسی می‌شناسیم. فیلسوفان نتیجه اندیشه‌های خود را اعلام کردند یا در نوشته‌هایی ارائه کردند. بسیاری از این گفته‌ها و نوشته‌ها در گذر تاریخ برجا ماندند. نسلهای آینده در سده‌ها، با مجموعه اندیشه فیلسوفان نیز آشنا شدند، و آن را تاریخ اندیشه یا فلسفه سیاسی نامیدند.

امروز به این میراث پیشینیان در چهارچوب علم سیاست به عنوان فلسفه سیاسی توجه می‌شود و از این نظر که نشان می‌دهد در زمانها و مکانهای گوناگون در گذشته‌های دور و نزدیک فیلسوفان با چه دشواریهای سیاسی-اجتماعی روبه‌رو بودند، با اهمیت دانسته می‌شود. بررسی تاریخ فلسفه سیاسی تفسیر مقایسه‌ای از نظریات مختلف فیلسوفان را ممکن می‌کند و به شناخت نیروهای حفظ‌کننده وضع موجود و نیروهای خواهان تغییر، کمک می‌نماید. این گونه شناختها آغازگر اندیشه‌های ثمربخش درباره سیاستهای معاصر است.

در این کتاب اندیشه فیلسوفان برجسته غرب و برخی تحولات سیاسی-اجتماعی و اقتصادی برانگیزنده اندیشه‌های آنها در دوره تاریخی عصر جدید اروپا، از ۱۴۹۲ تا ۱۷۸۹ و سده نوزدهم را بررسی کرده‌ام. در دوره‌های تاریخی پیش از آن را در کتاب دیگرم با نام تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا پایان سده‌های میانه) بررسی کرده توضیح داده‌ام.

مسئله اصلی دوره بررسی کتاب حاضر با مسئله دوره سده‌های میانه متفاوت است. در سده‌های میانه کشاکش دو قدرت برتر روحانی و دنیایی، کلیسایی و غیردینی، ساسردوتیوم^۱ و رگنوم^۲ یا پاپ و امپراتور، و به زبان دوره جدیدتر کشاکش کلیسا و دولت، محتوای عمده بحثهای سیاسی را تشکیل داده بود. اما پس از سده چهاردهم، آزاد کردن بردگان، بالابردن و بهترکردن جایگاه اجتماعی سرفها یا روستاییان وابسته به زمین، تهذیب اخلاقی انسان و به طور کلی ایجاد شرط و وضعی که روح فرد را آزاد و درک و تحقق آن را ممکن کند، در زمره بحثهای سیاسی و کثافت‌سها^۳ دوران درآمدند. بنابراین در حالی که سده‌های میانه شاهد و بیننده پیدایی و فروپاشی امپراتوری مسیحی، شد و زوال امپراتوری مقدس روم، پیشرفتن و فروکشیدن قدرت پاپ، و گسترش و نابودی یگانگی آرمان دین و ایمان بود، دوره جدید تشکیل دولتهای استبدادی و سپس ملی، پیدایی پادشاهیهای خاندانی قدیم، به شرف طبقه متوسط، انقلاب در هنر و ادب، دگرگونی اساسی در شیوه‌های جنگ به سبب سلاح آتشین، پیشرفت شگرف علم و صنعت، و پیدایی انسان نو در حال استحاله اخلاقی و فکری ناشی از نوزی و دین‌پرایی را نشان داد. همه این روندها و رخدادها آشکار کردند که فلسفه سیاسی عصر جدید مانده فلسفه سیاسی باستان و سده‌های میانه، ویژگیهای برجسته خاص خود دارد. این ویژگیها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. سکولاریسم عصر جدید مسئله ایمان و اعتقاد مذهبی را به صورتی که گذر سده‌ها ماندگار شد به سرانجام رساند. در زمان امپراتوری کنستانتین، در آغاز سده چهاردهم میلادی، پذیرفته شد که افراد در انتخاب هر دینی آزاد هستند. اما در سال ۱۰۵۴ بعد پیگردهای روم مقدس نشان داد سیاست مدارای دینی کنار گذاشته شده است. طی هشتاد و یک سال فرمان امپراتوری کنستانتین درباره مدارای دینی، کفر والحاد هم روا شده بود. مسیحیت ارتدکس از ۳۹۱ به ۱۰۵۴ به عنوان یگانگی دین رسمی امپراتوری روم مستقر شد؛ در نتیجه، ارتداد حکم و معنای خیانت یافت و تفکیک دربرگیرنده نفی بلد و محرومیت از حقوق اجتماعی، بی دینی و خیانت و حتی مرگ بود. اما جنبش دین‌پرایی، دین را از عرصه سیاست بیرون آورد و یگانگی جدا شده دراز مدت آن از اخلاق را دوباره برقرار کرد. گرایش جدید نیازمند آن بود که دولت با همه مذهبها و دینها مدارا کند و زندگی همراهمان مومنان مذهبها و کیشهای گوناگون با یکدیگر در صلح و هماهنگی را بپذیرد و ممکن

^۱. Sacerdotium

^۲. Regnum

گرداند. به همین سبب، ژان بدن تأکید کرد که دولت نباید در مسائل ایمانی و اعتقاد مذهبی دخالت کند، زیرا هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به قبول ایمانی خلاف خواست خود کرد. جان میلتون گفت حقیقت به آزادی بیان نیاز دارد؛ همین‌طور اولیور کرامول، جان لاک و دیگرانی هم، آزادی فردی در مسائل مربوط به دین و ایمان را خواستار شدند و پیشنهاد کردند که دولت در حوزه دین و مذهب مداخله نکند مگر اینکه امنیت آن در خطر باشد. با وجود آنکه در سده‌های شانزدهم و هفدهم بیشتر دولتهای اروپا به پیگردهای مذهب پرداختند، اما بتدریج همسازی و هماهنگی ضرورت سیاسی با اعتقاد فلسفی بسیار سبب از آزارهای مذهبی دست بردارند، و پس از آن مدارای مذهبی در این یا آن شکل به‌طور گسترده بر اثر ماندگار شد.

در فصل جدا، مسئله هزار ساله رابطه بین کلیسا و دولت را به شیوه خاص حل کرد. گرایش به سکولاریسم در مانع سیاست را از دین جدا نکرد، بلکه کلیسا را زیر کنترل دولت آورد. سکولاریسم نظریه‌های میانه درباره خاستگاه الهی دولت را رد کرد و نهادهای سیاسی را ساخته آنها دانست. شاهان مانند هنری هشتم در انگلستان، فیلیپ دوم در اسپانیا، و لویی چهاردهم در فرانسه، استدلال کالوینیستها را رد کردند که می‌گفتند اقتدار کلیسا برتر از اقتدار دولت است؛ و برعکس، برتری زیاد قدرت شاه بر وابستگان گوناگون کلیسا را اعلام کردند. همین‌طور، متحرکان سیاسی مانند هوکر، هابز، و دیگرانی هم، جانب نظر اراستیانستی، یا جدایی نهادهای سیاسی از نهادهای دینی را داشتند، عقیده تبلیغگران ژزویت (مانند ماریانا، بلارمین، و سائول) را که کلیسا حصلت الهی دارد، رد کردند و گفتند دولت خاستگاه انسانی دارد و قدرت نهادهای دینی را از مردم می‌گیرد.

۳. گرایش به دموکراسی سرانجام ماهیت و خاستگاه اقتدار سیاسی را آشکار کرد. گفته شد در آغاز، آنگاه که آگاهی ملت ضعیف و رشد نیافته بود، مردم نهاد پادشاهی با قدرت را مطلوب دانستند، و پشتیبانان دولت از نظام پادشاهی تجلیل کرده برتری آن را با ارائه نظریه حقوق الهی شاهان توجیه نمودند. حقوقدانها، اعضای سرکش پارلمانها و انقلابیهای اجتماعی، که همه پشتیبانان دولت و پادشاهی قدرتمند بودند، به عنوان اقدامی در دفاع نه تنها در برابر شورشگران جانبدار پاپ، بلکه در برابر شورشگران

کالوینیست هم، کوشیدند استبداد شاه را با این ادعا توجیه کنند که شاهان نایب خداوند در روی زمین هستند. هابز هم در سده هفدهم ضمن پذیرش قالب قرار اجتماعی استبداد شاه را پذیرفت و سنت و روش تازه‌ای برپا کرد که پس از او مدافعان حاکمیت مطلق دولت، از جمله هیوم و هگل، از آن پیروی کردند. اما این سنت، آنگاه که مردم در مورد عرصه و مشروعیت تکلیف سیاسی تردید کردند بتدریج کنار گذاشته شد. جان لاک نظر داد، که اگر شاه شرایط قرار اجتماعی را نقض کند مردم می‌توانند حاکمیت واگذار شده خود را پس بگیرند، و برخی از ستمگرکشی جانبداری کردند. در برابر تمایل جدیدتر، شاهان مستبد به داوری شمشیر رو آوردند؛ اما آنگاه که نارضایی عمومی توانست قدرت شاه را در خطر قرار دهد، گاه پس از عزل و اعدام برخی فرمانروایان سرسخت، دروازه‌های حکومت نمایندگان دموکراتیک گشوده شد.

۴. برقراری حکومت و تشکیل دولتهای ملی با شاهانی مقتدر و مدعی حاکمیت و فرو ریزنده اقتدار جهان‌گرایانه اروپا و از سوی دیگر امپراتور، عرصه سیاست بین‌الملل را باز کرد. جنگهای شاهان قدرتمند راه برخی عقاید مذهبی یا برای گسترش سرزمینها با هدف بهره‌برداری از منابع طبیعی و اقتصادی، یا با هدف استقرار تسلط بر بخشهای بتازگی کشف شده جهان و توسعه استعمار، نیاز به تدوین حقوقی با اعتبار جهانی را آشکار کرد. برپایه تشخیص این نیاز، کنفرانس وین ۱۷۱۳ و گروسوس ساختار بزرگی را که امروز حقوق بین‌الملل نامیده می‌شود، ایجاد کردند.

۵. درک و دریافت از قانون - ماهیت، گوناگونی، ضمانت اجرا، تعهدات و محدودیتهای قانون - در عصر جدید تغییر یافت. نظریات سده‌های میانه درباره قانون الهی و قانون الهی متروک شد. در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی تغییرات دگرگون‌سازی رخ داد و در واکنش به این تغییرات متفکران و تبلیغ‌گرانی مانند توماس مور، فرانسیس بیکن، توماسوکامپانلا و جیمزهرینگتون به نگارگری دولت آرمانی مشترک‌المنافع پرداختند. فروپاشی فئودالیسم و فرازجویی سرمایه‌داری بر ویرانه‌های آن، پرولتاریای بی‌نوا آفرید، که بدیختی‌های روان‌سوز آن مواد و مطالب فراوانی برای تکوین اندیشه‌های سیاسی سوسیالیستی فراهم کرد.

کوتاه سخن، فلسفه سیاسی عصر جدید و سده نوزدهم، دربرگیرنده اندیشه‌های

سکیولاریسم، ناسیونالیسم، حاکمیت، دموکراسی، لیبرالیسم، سوسیالیسم و انترناسیونالیسم بود. گرایشهای گوناگون این فلسفه در وضع و حال جدیدتری که هر زمان ضرورت می‌یابند، پدیدار شدند. حکومت نمایندگی به مثابه شورشی در برابر پادشاهی نامحدود نمایان شد، لسه‌قر یا سیاست آزادی عمل اقتصادی، واکنشی بود در برابر سیاستهای پدرسالاری؛ پلورالیسم چالشی در برابر مونیسم بود و سوسیالیسم به مثابه درمان بیماریهای اجتماعی از رقابت آزاد و اقتصاد خصوصی زاده شد. فیلسوفان گوناگون با آموختن مایه‌های مختلف خود، درباره مسئله بنیادی سازش درست بین ماهیت و عرصه اقتدار سیاسی آزادی فردی، یا آزادی فرد و قدرت دولت اظهار نظر کردند و کوشیدند این کهن سابقه‌ترین مسئله فلسفه سیاسی را حل و رفع کنند.

این نوشته شرح بیدایی این ویژگیها، یا روندها، رخدادها، اندیشه‌ها و آموزه‌هاست که با موضوعاتی دربار جنبش نوزایی در سده پانزدهم میلادی آغاز می‌شود و با بررسی اندیشه برخی فیلسوفان سیاسی غیرمارکسیست سده نوزدهم به پایان می‌رسد. اندیشه سیاسی مارکس و سوسیالیستهای مارکسیستی یا غیرمارکسیستی را در این کتاب نیاورده‌ام. این مجموعه فکر به پیش از این کتاب دیگری نیاز دارد.

این نوشته، از یادداشت‌های زیادی فراهم شده است که بیشتر آنها را از کتابهای زیر

برگرفته‌ام:

M. Judd Political Thought, From Plato to the Present, 5th ed., New York:

McGraw - Hill International, Book Co., 1990.

V. Venkatesh Rao, A History of Political Theories; Ancient, Medieval and

Modern; New Delhi: S.Chand & Co. (PVT) Ltd., Rep. 1986.

Sukhbir Singh, History of Political Thought, vols. 2, 4th ed., Meerut: Rastogi &

Company, 1991-92.

این منابع را به سبب استفاده زیاد و مکرر در زیرنویس نیاورده‌ام، منابع دیگر

مورد استفاده را در جای خود معرفی کرده‌ام.

عبدالرحمن عالم